



حجة الاسلام والمسلمین
هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی و
نماینده امام در شورای عالی دفاع

دستور و دست پرور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

بی در بی حوزه عملیات سال گذشته که در شمال آبادان، شرق کارون، بستان، فکه، تنگه جزابه و طراح و منطقه غرب، بر ارتش عراق وارد شد و نیروهای بسیاری را از دست داد. در دو عملیات اخیر حداقل شش لشکر آن نابود شد.

در عملیات فتح المبین بیش از ۱۵۰۰ اسیر گرفتیم و حداقل همین مقدار کشته و زخمی و معلول داشتند. و در نتیجه سی هزار نفر یعنی سه لشکر کامل عراق از بین رفت. در عملیات بیت المقدس نیز بیش از پانزده

نوشت ساز و دارای اهمیت بسیار است. با آنکه همه اهداف عملیات بیت المقدس تأمین نشد و یک بخش از آن باقی ماند ولی تا حدی که تأمین شد (هشتاد درصد یا بیشتر) همانگونه که انتظار میرفت، سر - نوشت ساز شد. در نتیجه عملیات بیت - المقدس، ارتش عراق از قدرت مانور و هجوم ساقط شد. و با توجه به اطلاعات رسیده، ارتش بعثی بعد از این عملیات دیگر در هیچ نقطه‌ای نمیتواند حتی یک حمله وسیعی را انجام دهد، زیرا که بجز شکستهای

پس از فتح خرمشهر

این سومین گفتاری است که با مجله پاسدار اسلام داریم. اولین گفتار در دست روزهایی بود که عملیات فتح المبین آغاز شد و دومین گفتار مقارن با شروع عملیات بیت المقدس بود. فکر می‌کنم در قسمت دوم گفته باشم که عملیات بیت المقدس با اهدافی که برای آن منظور شده بود سر -

هزار اسیر و تحقیقاً همین مقدار کشته و مجروحی که دیگر از میدان خارج شده یعنی ۳۰۰۰۰ نفر (سه لشکر) دیگر از بیمن رفتند و بدین ترتیب در طی این دو عملیات در مدت کمتر از دو ماه جمعا شش لشکر

نیروی کمی داشت که آنها را به حالت دفاعی در تپهها عقب کشید و ناچار حالت دفاع و سنگر گیری در ارتفاعات، ممبرها تنگهها، سرپلها و امثال آن را پیش گرفت. از سوی دیگر در طول جبههها از سر پل - ذهاب تا آبادان، هم ناچار است نیروهائی برای پاسگاهها و پشت پاسگاهها و مکانهای حساس دیگر بخش کند. مقداری نیرو هم در شمال، در برابر کردها دارد. در طویله و حوالی آن نیز مقداری نیرو دارد که آنها هم حالت دفاعی ضعیفی

دفاع نبود. به عبارت دیگر اگر عراق قدرت دفاعی داشت هیچ جایی برای آن بهتر از خرمشهر نبود و وقتی گفتوانست در چنین جایی دفاع کند بدین معنی است که در هیچ جای دیگر قدرت دفاع نخواهد داشت. همانطور که میدانیم خرمشهر از طرف جنوب و شرق با کارون و شط العرب متصل است که عبور از آنها در حال جنگ بطور وسیع تقریباً غیر ممکن است. نمیتوان پل بزرگ احداث کرد و با قایق و امثال آن نیز نمیتوان نیروی قابل توجهی منتقل کرد



عراق به کلی نابود شدند. و اگر فرض کنیم که در عملیات دیگری که قبلاً به آنها اشاره شد، دوسه لشکر عراق نابود شده باشد که قطعاً همینطور بوده زیرا فقط در آبادان نزدیک به دو لشکر عراق نابود شد، با همه اینها دیگر لشکر جاننداری برای عراق باقی نمی ماند. آنچه که عراق دارد ترکیبی است از لشکرهای گوناگون فراری و معلولینی که از بیمارستانها در آمدنند که در نظام ارتش این وصله پینهها هیچوقت به لشکر قدرت نمی دهد. چیزی که عراق داشت حدود دو لشکر بود که از پادگان حمید تا هویزه و کوشک پخش بودند و در مرحله سوم عملیات بیت المقدس توانست آنها را فراری دهد و از مهلکه بیرون ببرد. البته آنها هم لشکر دست نخورده نبودند، لشکرهای نیمه جانی بودند که آنها را نجات داد. در غرب

دارند، بنا بر این آنچه که برای عراق مانده همان دو لشکری است که از خوزستان خارج کرد و نیم لشکر یا یک لشکری که از عملیات فتح المبین نجات داد و در این میان مقداری نیروی دیگر در گوشه و کنار دارد که اینها دیگر لشکری برای جنگیدن نیستند. عملیات بیت المقدس بویژه مرحله اخیر آن که فتح خرمشهر بود وضع را از چند جهت بطور کلی عوض کرد و حالت کاملاً جدیدی را در منطقه پدید آورد؛ حالتی که در جهت اعتبار ایران و بموازات آن باعث تضعیف عراق و مرتجعین منطقه و در نهایت آمریکا گردید.

غیر از سه لشکری که در این عملیات از عراق بکلی نابود شد، ما می دانیم و همه ناظران نظامی هم میدانند که هیچ نقطه ای برای عراق در دشت بهتر از خرمشهر قابل

بعلاوه نیروها در راه منهدم میشوند. از طرف غرب نیز متکی به خود عراق و متصل به خاک آن بود. فقط دالانی بود که اگر عراق میتوانست از آن دفاع کند ما نمی توانستیم وارد خرمشهر شویم بنا بر این برای کشوری که اسکان دفاع داشته باشد، بهترین شرایط اسکان دفاع در چنین جایی است که از سه طرف آسوده خاطر است و فقط از یک طرف میتواند وارد شود و نیرویی که بخواهد از یک طرف وارد شود علاوه بر اینکه از جلو با نیروها و سنگرها مواجه میشود از دو طرف راست و چپ هم مورد حمله قرار می گیرد بخصوص از طرف راستمان از داخل خاک عراق در معرض خطر بودیم اینکه عراق نتوانست در خرمشهر دفاع کند، با آنکه در شهر بود و سنگر ایجاد نموده و از خراب شدن ساختمانها باکی نداشت، از آب استفاده

میکرد حتی سیل بندی که ما در شمال خرمشهر داشتیم برای عراق بهترین سنگر طبیعی بوده که با کمی دست کاری که روی آن کرده بود ، مهمترین خاک ریز شده بود نخلستانها و امکانات شهری در اختیارش بود . پشتش به عراق بود و با زدن یکپل روی شط العرب از جنوب هم میتوانست از بصره کمک برساند . . . هر چه فکر کنید بهترین امکانات دفاعی در آنجا وجود داشت با این همه در ظرف ۲۴ ساعت در مرحله چهارم عملیات بیت المقدس ، خرمشهر سقوط کرده این مسئله بسیار مهمی بود که نه ما فرصت یافتیم که اهمیت آنرا بخوبی به جهان معرفی کنیم و نه آنهایی که فهمیدند ، خواستند به درستی آن را باز گو کنند ، فتح چنین جایی میتواند اوج پیروزی یک ارتش باشد .

زمانی که ما ، در خرمشهر با نیروی ناچیزی (بین صد تا پانصد نفر) دفاع می کردیم درحالی که از هیچ یک از این امکانات هم استفاده نمی کردیم بیست و چهار (۲۴) روز عراقیها را پشت دروازه شهر معطل کردیم ولی عراق بیست و چهار (۲۴) ساعت هم نتوانست ما را معطل کند و در نتیجه این حادثه ، ضربه حیثیتی

عظیمی بر ارتش عراق وارد شد .

این پیروزی ، وضع سیاسی عراق را نیز به کلی درهم ریخت چرا که از شمال تا جنوب جبههها از لحاظ سیاسی هیچ نقطه ای مثل خرمشهر ، برای عراق با ارزش نبود . اشغال خرمشهر بهمان نسبت که حیثیت ما را تضعیف می کرد برای عراق حیثیت بود زیرا نقطه اوج هدف عراق شط العرب بود که با اشغال خرمشهر در طرفین ساحل آن نیرو داشت و بهمین جهت روی خرمشهر خیلی حساب می کرد . جهان نیز از لحاظ سیاسی روی خرمشهر حساب می کرد گرچه گرفتن نقاطی مانند سایتها در دزفول و تنگه رقابیه و تنگه بالای بستان و طراح و امثال آن و همچنین عبور از کارون در اولین عملیات بیت المقدس از نظر نظامی بسیار با ارزش بود اما گرفتن خرمشهر ارزش سیاسی اش فوق العاده بود .

همه دنیا حتی مردم عوام دنیا روی خرمشهر حساب کرده بودند . خرمشهر نامی بود که در اذهان همه یک سنبل و یک علامت بود . تا زمانی که ما خرمشهر را نگرفته بودیم اگر کسی می پرسید خرمشهر را پس گرفتند و طبعاً جواب منفی می بود ، می گفت : پس عراق باقی است ، ولی بعد از

گرفتن خرمشهر ، مسأله بر عکس شد و از جهت سیاسی و روحی اعتبار عراق بسیار پائین آمد .

عراق از زمانی که فهمید در مقابل ما توان مقاومت ندارد شیوه تبلیغاتی جدیدی را پیش گرفت و مدعی عقب نشینی شد . شکست میخورد و می گفت ما عقب نشینی کردیم . در دنیا نیز هیاهو راه می افتاد که عراق عقب نشینی کرده است ، آنها واقعیت را می فهمیدند ولی در پرتو تبلیغات می توانستند واقعیات را ببوشانند ولی در خرمشهر ادعای عقب نشینی بسیار بی معنی بود . ادعای عقب نشینی برای ارتشی که بیست ماه جنگیده است و از آغاز هم چنین جایی هدفش بود و با آنهمه زحمت آنجا را گرفته بود ، احمقانه بود و هیچ کسی هم نمی خواست تا این اندازه خود را احمق نشان بدهد و بگوید من باور کرده ام که عراق عقب نشینی کرده است .

اصل قضیه جای تردید نبود و سرعت عمل و اسرای فراوان هم نشانگر واقعیت بود ولی باز هم عراق با نهایت پررویی گفت : ما از خرمشهر بیرون آمدیم و برخی از بوقهای تبلیغاتی دنیا هم گفتند : اما وقتی ناگهان ده هزار اسیر را ما از خرمشهر در آوردیم و یک جا جمع کردیم و خبرنگاران آمدند ، آنها را وصفهای طولانی شان را در نوبت گیری برای تسلیم شدن دیدند ، دیگر

زمینها دعاها و تبلیغات عراق از بین رفت . در نتیجه زمینه آخرین مانور تبلیغی عراق از آن گرفته شد . ضربه حیثیتی نظامی خورد ، ضربه واقعی نظامی خورد ، ضربه سیاسی خورد ، در برابر مردمش رسوا شد ، روحیه ارتشش به کلی متزلزل شد به طوری که با داشتن آن همه نیرو در خرمشهر که فقط ده هزار نفرشان اسیر شدند نتوانستند بیست و چهار ساعت در آنجا مقاومت کنند . عراق دیگر قدرت دفاعی هم نداشت به خصوص از همان زمانی که از هویزه و . . . فرار کرده بود . ارتشی که فرار می کند حالت دفاعی هم نمیتواند بخود بگیرد . قدرت

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

ما با نیروی بسیار کم ۲۴ روز عراقیها را پشت دروازه خرمشهر معطل کردیم ولی عراق ۲۴ ساعت هم نتوانست ما را معطل کند و در نتیجه این حادثه ، ضربه حیثیتی عظیمی بر ارتش عراق وارد شد و وضع سیاسی عراق بکلی در هم ریخت .

هجوم که به کلی نداشت، حیثیت سیاسی و نظامی اش هم از دست رفته بود و دروغگو هم از آب درآمد.

در مقابل تمام نقاط ضعف عراق، ایران نقاط قوت به دست آورد. تمام ادعاهایش صادق درآمد و نیرومند از کار درآمد و از نظر سیاسی برد وسیعی کرد.

در چنین شرائطی اوضاع منطقه دگرگون شد. ناگهان چشم آمریکا، روس، اروپائیهها و ارتجاع منطقه باز شد و یک قدرت بسیار عظیم و ریشه دار تثبیت شد. ای ایران امروز از زمان شاه نیرومندتر است. کشوری تا این حد متکی به مردم و برخوردار از روحیه پیروزی و انقلابی بعد از فتح خرمشهر مثل آن در منطقه و حتی در دنیا وجود ندارد.

مردم یک دوره ریاضت سه، چهار ساله را پشت سر گذاشتند و یاد گرفتند که می توانند خودکفا زندگی کنند و روی پای خودشان بایستند و امیدی که دشمنان به وضع اقتصادی ما بسته بودند که از پایر - آید، معکوس شد و ایران از گذشته قوی تر شد.

شاه متکی بود به پنج، شش ملیون بشکه نفتی که صادر می کرد و اگر روزی شیر نفت بسته می شد، وضعیت او معلق می شد، درحالی که ما صدور نفت را در حال محاصره تا سیمد و حتی دویمت هزار بشکه رساندیم و بخوبی مقاومت کردیم. دشمن نیز در این روزها دانست که ما نفت را به اندازه خواست خودمان صادر می کردیم. تقریباً از اوائل اسفند ماه بود که دیگر به مقداری که تأمین شویم، صادر کردیم. در شرائطی که جنگ بود و عراق ماهشهر و خارک را میزد، به بوشهر و آبادان حمله می کرد، نفت مطلوب ما صادر می شد و این نشانگر امکان اقتصادی ما بود. در همین زمان با قرار - دادهای تهاتری با کشورهای همسایه مثل ترکیه و پاکستان و همچنین سوریه و کشور - های دور و نزدیک پای خودمان را محکم کرده بودیم که این هم از دستاوردهای

همین پیروزیها بود.

از سوی دیگر به دنبال این پیروزیها، در ارتباطات کشورهای جنوب خلیج تفرقه افتاد و شورای همکاری خلیج متزلزل شد. برخی از کشورهای کوچک خلیج به ما توجه کردند و فهمیدند که در آینده اگر به ما متکی باشند از آنکا، به عراق بهتر است. و سرانجام همه شرائط یک کشور نیرومند در ایران به وجود آمد، کشور نیرومندی که نسبت به عراق صاحب حق هم هست کشوری که بیست ماه جنگیده است و این همه خسارات و تلفات داده و هزارها کیلومتر از خاکش را اشغال کرده بودند. دهها شهر و صدها روستایش را خراب کرده اند و اکنون با ادعای حق و با قدرت گرفتن حقش با آنکا، به مردم، با پشتوانه محکم اقتصادی، اعتبار فوق العاده سیاسی و انقلابی در منطقه بروز کرده است. کشوری که بهترین وضع دچار شده بود و با بهم خوردن رژیم شاه دهها سال لازم داشت تا یک نظام انقلابی تا این حد جا بیفتد و به یک قدرت عظیم تبدیل شود.

در چنین شرائطی برای دشمنان ما وجود عراق به تنهایی در میدان برای مقابله با ما کافی نبود، باید بیشترین کوشش را با کمک دوستانش به کار گیرد تا خود را از سقوط

حفظ کند. برای بستن دست ایران مقتدر یک توطئه وسیع طرح میشود و نیروهای گوناگونی هر کدام در فراخور امکان خودش وارد عمل میشود. آمریکا برای آن که همه آنها را دلگرم کند ناچار میشود ظهور کند و وزارت خارجه آمریکا بطور رسمی اعلام می کند که ما در هفته آینده در خاورمیانه فعال خواهیم بود و بوقهای تبلیغاتی نیز خطر ایران را برای منطقه بزرگ می کند. بعد از آن عراق خود را به موش مردگی میزند و دیگر نمیتواند قهرمان قادیسیه باشد. حالت مظلوم نمائی بخود می گیرد، صدام مخفی میشود، دیگر سخنرانی نمی کند و ظاهر نمیشود و کسی او را نمی بیند تا بعضی هائی پخش میشود به ویژه غربیهها به این شایعه دامن میزنند که صدام سقوط کرده و کنار گذاشته شده و چند نفر کشته شده اند. شورای انقلاب و شورای فرماندهی به جای صدام اعلامیه میدهد و اعلام آتش بس می کنند، نیروهایش را عقب می کشند، شورای همکاری کشورهای خلیج تشکیل میشود و بجائی راه نمی برند گرچه نفس تشکیل آن مسئله است.

حمله اسرائیل به لبنان

اسرائیل آخرین زاندارم رسمی

مردم یک دوره ریاضت سه چهار ساله را پشت سر گذاشته اند، یاد گرفته اند که می توانند خودکفا زندگی کنند و امیدی که دشمنان به وضع اقتصادی ما بسته بودند که از پا در آید، معکوس شد و ایران از گذشته قوی تر شد.

رتال جامع علوم انسانی

آمریکا در لبنان وارد عمل میشود بخصوص که جنوب لبنان نفس کش تبلیغاتی ایران هم بود و نیروهای وفادار به ما در آنجا بودند. برای نجات صدام و بستن دست ایران باید فکری شود. برای دلگرم کردن کشورهای مرتجع خلیج که به صدام کمک کرده بودند و اکنون دچار ترس شده اند باید فکری شود و در مقابل ایران سدی درست شود. همه اینها دست اندر کارند که این کار انجام شود و بالاخره جنایت عظیم اسرائیل علیه جنوب لبنان آغاز میشود. با این هدف که آنجا را خطر مهم منطقه جلوه دهند، و ایران نیروهایش را متوجه آنجا کند و دستاویزی برای عراق به منظور اعلام آتش بس و مظلوم نمایی و حفظ اعتبار از دست رفته صدام و حزب بعث فراهم کنند. بهانه‌ای برای فشار آوردن علیه ایران درست کنند. میانجی‌های کنفرانس اسلامی هم دست اندر کارند و مجموعه این عوامل شروع به کار می‌کنند که خوشبختانه حرکت صحیح ایران تقریباً همه این توطئه‌ها را خنثی کرد. در این میان فقط مصیبت ما جنوب لبنان و جنایتی است که برای مردم لبنان و فلسطینی‌ها پیش آمد و این خسارت عمده جنگ بود.

این که ما به سرعت متوجه جنوب لبنان

شدیم و به سرعت نیرو فرستادیم و برای شرکت در جنگ با اسرائیل اعلام آمادگی کردیم، در حالی که هیچ‌یک از کشورهای عربی غیر از سوریه و مردم فلسطین و مردم لبنان که در محل بودند چنین کاری را نکردند. اینها موجب شد تا بخشی از توطئه‌ها خنثی شود و دیگر نتوانستند به ایران فشار وارد کنند که جنگ با عراق را رها کند و به آنجا برود. ما نشان دادیم که اگر دیگران مرد باشند و در جنگ علیه اسرائیل شرکت کنند ما از آنها زودتر و بیشتر میتوانیم وارد عمل شویم. ما مهمترین تیپ‌ها یمان را فرستادیم، نیروهای از تیپ ذوالفقار و محمد رسول الله که نیروهای زبده‌ای بودند، نشان دادیم که با حفظ جبهه خودمان آمادگی شرکت وسیع و قوی در جنگ با اسرائیل را داریم. البته آنها با این اقدام ما امیدوار شدند که ما را بکلی به آنجا بکشانند. به این شکل که وقتی احساس کردند ما به جنگ با اسرائیل اهمیت میدهیم خواستند برگ جدیدی بزنند و عراق اعلام کرد مشروط بر آن که ایران آتش بس را قبول کند بما راه عبور خواهد داد و بدین ترتیب میخواست با ایجاد یک حالت روانی، نیروهای ما به لبنان منتقل شوند و در نتیجه بطور کامل به آنجا کشیده شویم و در اینجا از نظر نظامی تا جز شویم

ولی این توطئه نیز با رهنمودها و موضع صریح امام خنثی شد. در همین حال حضور ما در جبهه جنگ با اسرائیل به مقدار قابل توجهی حفظ و تقدم ما بر دیگران ثابت شد. تبلیغات خرید اسلحه از اسرائیل به کلی خنثی گردید و ادعاهای دروغ رژیم‌های عربی که مدعی بودند، می‌خواهند با اسرائیل بجنگند بکلی بی‌اثر و به رسوائی کشیده شد و از این جهت نیز ما ضرری نکردیم فقط ضرر اساسی در این توطئه این بود که فلسطینی‌ها ضربه خوردند و جنوب لبنان اشغال شد و سوریه نتوانست کاری جدی انجام دهد.

هر چند در حال حاضر اسرائیل در این کارش پیروز است ولی چنانچه ما درست حرکت کنیم آینده اسرائیل با این کار در خطر بیشتری قرار گرفته و در جایی آمده که میشود اسرائیل را در آنجا بکلی منهدم یا تضعیف کرد و قدرت اسرائیل و ماشین جنگی آن را از کار انداخت، مشروط بر آنکه حرکت بعدی در منطقه بطور صحیح انجام گیرد.

حوادث آینده

ما در داخل به همان شیوه اسلامی گذشته‌مان عمل کردیم و با پرهیز از این‌که عملیاتی پیش بیاید که نیروهای از عراق یا ایران کشته شوند و خسارات مالی و مجروح و مصیبت و خرابی باقی بگذارد، بعد از عملیات بیت المقدس، عجله نکردیم و با این که همه انتظار داشتند ما در خرمشهر متوقف نشویم و بسوی بصره حرکت کنیم و یا از قصر شیرین به خانقین و بسوی بغداد برویم و یا از جبهه میانه بسوی العمارة بیش رویم که امکان همه آنها بود، لیکن ما تا کنون صبر انقلابی کردیم و به عراق و صدام و بعث مهلت دادیم و به حامیان عراق فرصت دادیم تا تسلیم حق شوند و حقوق ایران را بپردازند و قبول کنند که صدام و بعث عراق محاکمه شوند ولی متأسفانه آنها در این جهت یک قدم هم پیش نیامدند، تنها یک حرکت مثبت انجام



شد که آن هم به نفع عراق بود : عراق یک مقدار نیروهایی که در دشت و در شهرهای اشغالی ما در غرب داشت بیرون کشیده و در سنگرهای مستحکم مستقر نمود درحالی که اگر عراق یک ضربه کاری هم در غرب میخورد ، بعد از آن در مرزهای غربی اش بکلی نیروی دفاعی نداشت و راه ما برای رفتن بهر جا که میخواستیم باز بود . آنها میدانستند وقتی ما حمله می کنیم برای عراق دیگر چیزی باقی نخواهد ماند ، البته ممکن بود بخاطر وضعیت منطقه ما هم تلفات زیادی بدهیم زیرا در تپهها و ارتفاعات صعب العبور حتی اگر یک گروهان در موضع محکم بماند و مقاومت کند میتواند بسیاری از نیروهای مهاجم را از پا درآورد و ما ناچار بودیم بخاطر رفتن به قصر شیرین تلفات بدهیم و البته این کار را می کردیم . این کار عراق که بمنظور گرفتن یک خط دفاعی محکم تر انجام گرفت و از نظر خودشان کار عاقلانه ای بود از نظر ما هم که بهر حال لازم بود با تلفات طرفین ، قصر شیرین و نفت شهر و سمار و دهلران و ... را بگیریم و با این کار بدون تلفات آنجاها را گرفتیم از این جهت مثبت است و اگر چه از نظر انهدام نیروی دشمن همانند پادگان حمید و هویزه یک فرصتی از دست ما رفت لیکن از این جهت که معمولاً انهدام نیرو همیشه همراه با مقدار زیادی کشته است که ما از آن بهره می داریم ، عمیقاً خوشحالیم .

هم اکنون وضع بهمین صورتی که میبینم درآمده است ، وضعی که عراقیها بنا ندارند تسلیم حق شوند اربابان عراق نیز مایل نیستند ایران بطور کامل پیروز و موفق جنگ را به پایان ببرد و حقوقش را بگیرد و با گرفتن حقش نیرومندتر شود و از نیرومندتر شدن ایران بهره می دارند و گویا همه راهها را برای ما بسته اند و فقط راه بکار بردن زور را باز گذاشته اند همان کاری که در فتح المبین و بیت المقدس کردیم . باید منتظر حوادث آینده جنگ باشیم . والسلام

تا اینجا سخن که در هفته قبل انجام گرفت ، هنوز عملیات سرنوشت ساز رمضان آغاز نشده بود و پیش از شروع عملیات نمی شد در باره برنامه آینده مان سخن بگوئیم و صحبت در این مورد به بعد از شروع عملیات موکول شد که دو سه روز بعد از آن عملیات رمضان آغاز شد .

در برنامه قبل گفتیم که دشمنان انقلاب اسلامی و ابرقدرتها و عمالشان مایل بودند حالت نه صلح و نه جنگ بماند ، حالتی که از شوم ترین حالات در روابط کشورها و مناطق است حالتی که ابرقدرتها برای نفوذ و برای فروش اسلحه ، ایجاد تفرقه ، ترساندن ، معوق ماندن برنامه های اقتصادی و سازندگی استفاده میکنند .

ابرقدرتها همواره از حالت وحشت بهره برداری می کنند و این وضع را در اکثر نقاط دنیا به وجود آورده اند و ما با همین تشخیص به این نتیجه رسیدیم که باید جنگ را پایان دهیم ولی پایان یافتن جنگ به چند صورت امکان داشت با صلحی که حقوقمان را بگیریم و صدام را تنبیه نکنیم که بسیار بد بود زیرا چنین کاری :

الف : حیثیت انقلاب را پاشن می آورد
 ب : با حق سازگار نیست در جایی که انقلاب ما باید مدافع حق باشد .
 ج : زمینه را برای این که متجاوز دیگری در منطقه پیدا شود و تاریخ جنگ تجملی عراق را یک بار یا چند بار دیگر تکرار نماید ، حفظ می کند .

د : اصولاً در رابطه با عراق و منطقه وضعی پیش آمده که می شود قدمی اساسی برداشت و چنانچه این قدم را برنداریم خطا است . لذا ما تصمیم گرفتیم جنگ را پایان دهیم اما آنطور که خودمان فکر می کنیم و به نحوی که به مصلحت کشور خودمان و منطقه و فردای منطقه باشد به طور طبیعی انجام این کار به این شکل بود که پیش از پایان جنگ در قدم اول مناطق حساس خودمان را از تیررس صدام دور کنیم زیرا خرمشهر و آبادان یعنی مهمترین بندر و مهمترین مرکز صنعتی ما ، پالایشگاه عظیم ما که باید پنجاه درصد پالایش نفت را در کشور انجام دهد ، در وضع موجود که عراق از آن سوی اروند رود و همچنین در غرب خرمشهر از داخل خاک عراق ، این دو نقطه را زیر آتش دارد ، نه قابل بازسازی است و نه قابل استفاده . در غرب هم ، چنین وضعی را داریم و ارتفاعاتی در دست دشمن هست که میتوانند بخش دیگری از کشور ما را مانند قصر شیرین و چند شهر دیگر را نگذارند بازسازی کنیم و باید مردم آنجاها آواره باشند اولین کار ما در چنین شرایطی این است که کشورمان را از شر این وضع نجات دهیم زیرا قطعنامه ای که شورای امنیت سازمان ملل تصویب کرده و نوطه های که از سوی بعضی از ابرقدرتها طرح شده در این جهت است که میخواهند این حالت را حفظ کنند و در



نتیجه کشور ما برای مدتی طولانی ویران بماند و ما نتوانیم ویرانیه را بسازیم و همیشه جمعی از مردم ما آواره باشند ولی عراق با کنکهای که از شیاطین جهان دریافت می کند روی پای خود بایستد با این تفاوت که ما بخاطر این که نمی خواهیم به مردم ظلم کنیم به شهرهای مرزی عراق آسیب نمی رسانیم و مردم مرزی عراق میتوانند با آرامش زندگی کنند اما شهرها و روستاهای مرزی ما به خاطر قساوت صدام که بهیچ وجه پایبند چیزی نیست تا این وضع هست باید ناامین باشند. بعد از این که ما این مرحله را تمام کردیم باز مسئله در این حد نمی ماند و باید مساله صدام و بعث حل شود و عملیات رمضان بخشی از همین برنامه است که در دست اجرا می باشد. در صورتی که عملیات رمضان با پیروزی به پایان برسد ما به همه اهدافمان خواهیم رسید. قسمت عمده نیروهای عراق را که قبلا در مورد آن صحبت شد، در این منطقه منهدم می کنیم و دیگر در عراق نیروی مقاومی نخواهد بود شهرهای خودمان را در منطقه حساس صنعتی و حیاتی از تیررس دشمن دور می کنیم و به آنجا فرصت سازندگی خواهیم داد با ضربه ای که به عراق می زنیم حامیان عراق را در

منطقه و خارج آن مایوس می کنیم و ملت عراق را امیدوار می کنیم. خوشبختانه طی این چند روز بسیاری از چیزها را که حدث می زدیم برای ما ملموس شد. وقتی ما این عملیات را آغاز کردیم درست کسانی که دشمن ما بودند همه جا صدایشان بلند شد و با ورود ما به خاک عراق مخالفت کردند و دوستان ما در همه جا موافقت کردند، ملتها در کشورهای جنوب خلیج فارس ملت و دولت سوریه، دانشجویان اسلامی کشورهای اروپایی و مستضعفان و مسلمانان خالص همه کشورهای اسلامی موافقت کردند در مراسمی که همین دیروز در پاریس برگزار شد به مدت چهار ساعت هزاران نفر نیروهای مبارز جهان اسلام و بسیاری از کشورهای اسلامی در آن شرکت داشتند و همچنین اجتماع بزرگی که در مسجد جامع پایتخت بنگلادش انجام شد و بعد به اشغال سفارت آمریکا منجر شد و تظاهراتی که در کراچی و دیگر شهرهای پاکستان برگزار شد و جالب تر از همه تظاهراتی که اسرای عراقی در شهران انجام دادند و خواستار ورود ما به خاک عراق شدند و به طور کلی طبق گزارشهایی که نمایندگی های ما از سرتاسر دنیا می دهند نیروهای خالص و ضد استکباری و ضد

استعماری جهان، از این عمل استقبال کردند. در مقابل، نیروهای اهریمنی دنیا مخالفت کردند و حتی ضد انقلاب کشور خودمان، مثل بختیار و رجوی، این دشمنان صریح ما اعلامیه دادند و مخالفت کردند و صدام هم به جنون کشیده شد و این جنایات عظیم را در ایلام و کرمانشاه و همدان و غیره مرتکب شد و روی خودش را سپاه کرد که این جنایت نیز میتواند برای ما مفید و موثر باشد زیرا بخشی از انگیزه جهاد که در ملت ما و جوانهای ما وجود دارد به خاطر همان جنایات صدام بوده است. مطالبی که در ذفول و اهواز با کوبیدن مراکز مردمی مانند بیمارستانها و مدارس و زدن موشکها به مناطق مسکونی و انداختن توپ به شهرها و روستاها و تخریب مناطق مسکونی از صدام سرزده همه اینها اموری بود که نیروهای جنگنده ما را در راهشان و انگیزه جهادشان مومن تر و جدی تر کرده است و در این مرحله که چند هفته ای بود صدام خود را به موش مردمی زده بود و صلح طلب شده بود و مقداری در روحیه مردمان افت می دیدیم این جنایتگری صدام دوباره همان روحیه قبلی را زنده کرد و به گمان من صدام دارد به دست خودش قبر خود را می کند و پاپاهای حزب بعث عراق را ست تر می کند.

ما ضمن این که از وضعی که به سر مردم شهرهایی مثل همدان و باختران و ایلام و خرم آباد و غیره پیش آمد متاثریم و به آنها و خانواده های شهدا تسلیت می گوئیم و برای مجروحین و معلولین و آسیب دیدم های این حملات متأسفیم اما آنها بدانند که همین مظالم نیز در راه تثبیت جمهوری اسلامی و شکست صدام میتواند موثر باشد. بهر حال باید منتظر باشیم تا با پایان عملیات رمضان بتوانیم قضاوت اساسی را بکنیم که به نظر من نقطه عطفی در تاریخ این منطقه خواهد بود. ۶۱/۴/۲۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

